

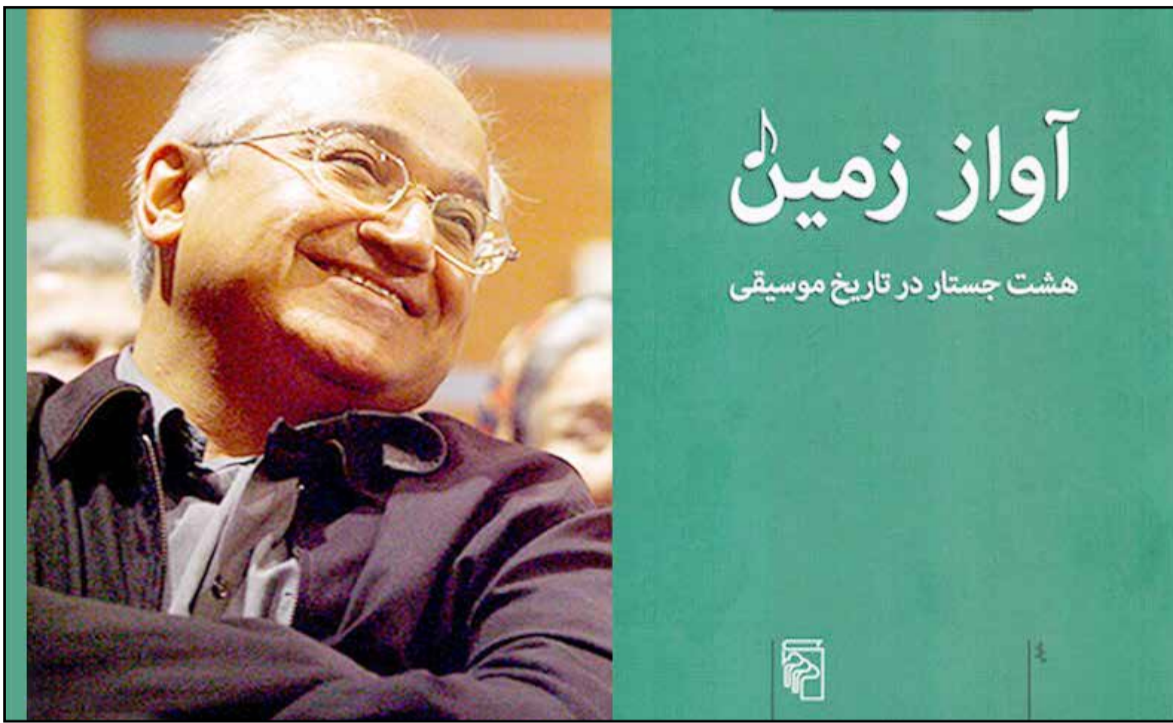
اصلاح یک تبصره از اساسنامه خانه موسیقی چرخش صندلی هادر حلقه

لیلا موسی زاده، روزنامه نگار

صبح روز دوشنبه نوزدهم شهریور ماه خبر آمد که مجمع عمومی خانه موسیقی در تاریخ یکشنبه ۱۸ شهریور به صورت فوق العاده به منظور اصلاح یک تبصره از اساسنامه برگزار شده است. خبری که بدون هیچ گونه پیش خبر یا خبری در خصوص برگزاری مجمع عمومی عادی فوق العاده خانه موسیقی در رسانه ها منتشر شده بود. چرا که مطابق اساسنامه خانه موسیقی موظف است دو هفته پیش از برگزاری مجمع عمومی آن را اطلاع رسانی نماید. با این حال اعضای این خانه تبصره ۱ ماده ۱۹ را این گونه اصلاح کردند که «انتخاب مجدد اعضاء هیات مدیره برای یک دوره بعد بلا مانع است.» هیات مدیره ای که پس از گذشت چندین دوره تکرار صندلی ها، مدیریت ها، سمت ها با این انتقادات فراوانی مواجه شده اند تازه تصمیم گرفته اند باید به رویکردی دیگر گونه در تقسیم قدرت بپردازند. اما رویکرد انتخابی آنها در همین گام ابتدایی خبر از تخلف از اساسنامه برای اصلاح آن را در عدم اطلاع رسانی برای برگزاری مجمع عمومی می دهد. هر چند مدیران خانه موسیقی با تفاخر به خود و دموکراسی ما بانه جلوه دادن وجهه خود در این خانه بگویند که در تبصره ۱ ماده ۱۹ اساسنامه پیش تر آمده بود که: «انتخاب مجدد اعضاء هیات مدیره برای دوره های بعد بلا مانع است» و بر اساس تغییری که به وجود آمده تبصره اساسنامه این گونه اصلاح شد: «انتخاب مجدد اعضاء هیات مدیره برای یک دوره بعد بلا مانع است.» اما برای اینکه چرا در خفا و بی خبری به برگزاری مجمع عمومی اقدام می ورزند پاسخی ندارند و جالب اینجاست که بازرسان خانه موسیقی نیز سخنی از این تخلف آشکار نمی گویند. دقت کنید این خانه بعد از چندین سال انتقاد فراوان، حتی لفظ «فقط» را در تغییر اساسنامه قید نکرده تا اعضای هیات مدیره تنها برای یک دوره بر مسند امورات خانه باشند تا بلکه در حلقه بسته اعضای دائمی این خانه، تنها سمت ها یا صندلی ها بر خود حلقه اعضای آن پایدار بمانند.

مروری بر کتاب «آواز زمین» نوشته بابک احمدی

ذائقه موسیقایی یک روشنفکر



آواز زمین

هشت جستار در تاریخ موسیقی

آرژین صدافت کش، منتقد و روزنامه نگار

بارها شده کسانی (از جمله خود من) به مناسبت های مختلف اشاره کرده باشند که اندیشمندان / روشنفکران ما با موسیقی بیگانه اند و دست کم به همان اندازه که در فرهنگ های دیگر (مخصوصاً اروپا) رسم است از موسیقی بگویند یا به همان اندازه که در همین ایران رسم است از هنرها و حوزه های فکری دیگر بگویند، سخنی در باره

موسیقی نمی گویند. بنابراین ما به ندرت چیزی از سلیقه موسیقایی اندیشمندانمان می دانیم، به ندرت انتخاب هایشان را می شناسیم چه رسد به این که از نتیجه غور و تأمل جدی شان در این باره آگاه باشیم (به شرط آنکه اصلاً بپذیریم چنین غور تأملی وجود داشته است) یا از نحوه تفکرشان در باره کلیت موسیقی چیزی بشنویم.

«آواز زمین» اش هم گواه این استثنای بودن او پیش از این کتاب هم در باره موسیقی نوشته و در مناسبت هایی سخنرانی کرده است اما با این کتاب تازه است که با ابعاد جهان موسیقایی یکی از روشنفکران آموزشی مان آشنا می شویم. در آواز زمین نویسنده، در هشت فصل به تریبی تاریخی انتخابش را از قله های برجسته موسیقی کلاسیک غرب به خواننده معرفی می کند؛ مس در سی مینور از باخ، آثار باخ برای تکنوازی سازهای

زهی، سمفونی شماره ۳ بتیوون، آخرین کوارتت های زهی بتیوون، اپرای تریستان و ایزولده واگنر، یک رکوئیم آلمانی برامس، سمفونی شماره ۲ مالر و کنسرتوی به یاد یک فرشته پرگ. او در این هشت جستار در ظاهر اطلاعاتی تاریخی و گاهی هم تفسیرهای اولیه موسیقایی و خویش را در اختیار می گذارد اما در واقع دارد دلایل گزینش هایش را به خواننده می گوید. رابطه عاطفی ای که احمدی با

دنگ و دونگ

گروه تخصصی موسیقی در فرهنگستان هنر احيای می شود

گروه های تخصصی فرهنگستان هنر با حضور اعضای پیوسته و وابسته فرهنگستان و تعدادی از هنرمندان فعالیت خود را از سر می گیرند. فرهنگستان هنر طبق ماده ۱۲ اساسنامه خود دارای هفت گروه تخصصی است و هر گروه تخصصی متشکل از تعدادی عضو پیوسته و وابسته هنرمندان خبره است که با توجه به نوع تخصصشان توسط رئیس فرهنگستان برای عضویت در گروه انتخاب می شوند. گروه های «تمایز و ادبیات نمایشی»، «موسیقی»، «معماری و شهر سازی»، «هنرهای سنتی و صنایع دستی»، «هنرهای تجسمی»، «سینما» و «چند رسانه ای» گروه های تخصصی فرهنگستان هنر را تشکیل می دهند. وظیفه این گروه ها، به عنوان اتاق فکر فرهنگستان، تنظیم برنامه های پژوهشی و ارائه آن به شورای تخصصی است. گروه های تخصصی فرهنگستان هنر که چندین سال است به علت عدم علاقه مدیران سابق هیچ گونه فعالیت نداشته اند؛ تعیین مدیریت جدید آن، اکنون و به همت اعضای پیوسته و وابسته این فرهنگستان به زودی تشکیل شده و فعالیت خود را از سر خواهند گرفت.

هم زمان با صدمین سالگرد تولد حشمت سنجرى کتاب «افق بیکران» منتشر شد

در صدمین سالگرد تولد حشمت سنجرى رهبر ارکستر و آهنگساز، کتاب «افق بیکران: یادنگار حشمت سنجرى» در انتشارات «خط» و طرح «منتشر شد. کتاب «افق بیکران: یادنگار حشمت سنجرى» به کوشش مرشد بايگان (سنجرى)، یادنگاری بر زندگی و فعالیت های حشمت سنجرى رهبر ارکستر و آهنگساز است. در فصل نخست کتاب «افق بیکران» علاوه بر مقدمه مرشد بايگان همسر زنده یاد حشمت سنجرى، زندگینامه هنرمند در ۱۲ بخش آمده است. فصل دوم شامل یادداشت هایی از سیمین دانشور، فریدون مشیرى، پرویز منصورى، فریدون ناصرى، فخرت امیراف، عباس معروفى، محمدرضا نصیرى، علیرضا غفارى، محسن افتاده و سرگى آقاجانیان در یاد و خاطره سنجرى است و فصل سوم به گفتگوهای او اختصاص دارد. در پایان، فهرست کاملی از اجراهای حشمت سنجرى با ارکسترهای مختلف دنیا و نمونه هایی از پارتیورهای ساخته های او درج شده است.

در باب انتشار آمار فهرستوار هزینه های بنیاد رودکی در سال ۹۶

کسی از هزینه های بنیاد رودکی سر درمی آورد؟



بابک احمدی، روزنامه نگار

و مبلغ ۷۹۰ میلیارد ریال نیز از درآمدهای بنیاد رودکی حاصل شده است. و بدین طریق در مجموع ۲۵۹ میلیارد ریال میزان کل بودجه بنیاد رودکی در سال ۹۶ بوده است. اما در نگاه اول ریز هزینه کرد مجموع ردیف های اعلام شده ۱۵۰ میلیارد ریال است و در خصوص مابقی بودجه تا سقف ۱۸۰ میلیارد ریال مورد مصرفی اعلام نشده و البته معلوم نیست چگونه هزینه شده است.

ضمناً میزان دستمزد قریب به ۳۳۰ کارکنان بنیاد رودکی نیز در این فهرست قید نشده است. اما مهم تر توضیحاتی است که بنیاد رودکی در شرح جدول هزینه کرد داده و اعلام داشته که هر چند در اینجا اعلام نشده اما حقوق کارکنان و هزینه های پشتیبانی و جاری است که از مابقی مبلغ سرجمع منابع، هزینه شده که با توجه به بالا بودن این مبلغ اسم برده به عنوان «مابقی سرجمع» بهتر بود در قالب چند ردیف مشخصاً قید می شد تا آشکار می شد بنیاد عظیم رودکی با چه هزینه های مشغول رتق و فتق روال جاری خویش بوده و نگهداری این بنیاد سالانه چقدر هزینه بردار است. چراکه این هزینه کرد برای اولین بار است که منتشر شده و سابقه ای از این موارد در دست نیست تا بتوان بر آورد و مقایسه ای با آن صورت داد.

بنیاد رودکی برای بنیاد رودکی در این فهرست قید نشده است. اما مهم تر توضیحاتی است که بنیاد رودکی در شرح جدول هزینه کرد داده و اعلام داشته که هر چند در اینجا اعلام نشده اما حقوق کارکنان و هزینه های پشتیبانی و جاری است که از مابقی مبلغ سرجمع منابع، هزینه شده که با توجه به بالا بودن این مبلغ اسم برده به عنوان «مابقی سرجمع» بهتر بود در قالب چند ردیف مشخصاً قید می شد تا آشکار می شد بنیاد عظیم رودکی با چه هزینه های مشغول رتق و فتق روال جاری خویش بوده و نگهداری این بنیاد سالانه چقدر هزینه بردار است. چراکه این هزینه کرد برای اولین بار است که منتشر شده و سابقه ای از این موارد در دست نیست تا بتوان بر آورد و مقایسه ای با آن صورت داد.

بنیاد رودکی برای بنیاد رودکی در این فهرست قید نشده است. اما مهم تر توضیحاتی است که بنیاد رودکی در شرح جدول هزینه کرد داده و اعلام داشته که هر چند در اینجا اعلام نشده اما حقوق کارکنان و هزینه های پشتیبانی و جاری است که از مابقی مبلغ سرجمع منابع، هزینه شده که با توجه به بالا بودن این مبلغ اسم برده به عنوان «مابقی سرجمع» بهتر بود در قالب چند ردیف مشخصاً قید می شد تا آشکار می شد بنیاد عظیم رودکی با چه هزینه های مشغول رتق و فتق روال جاری خویش بوده و نگهداری این بنیاد سالانه چقدر هزینه بردار است. چراکه این هزینه کرد برای اولین بار است که منتشر شده و سابقه ای از این موارد در دست نیست تا بتوان بر آورد و مقایسه ای با آن صورت داد.

بنیاد رودکی برای بنیاد رودکی در این فهرست قید نشده است. اما مهم تر توضیحاتی است که بنیاد رودکی در شرح جدول هزینه کرد داده و اعلام داشته که هر چند در اینجا اعلام نشده اما حقوق کارکنان و هزینه های پشتیبانی و جاری است که از مابقی مبلغ سرجمع منابع، هزینه شده که با توجه به بالا بودن این مبلغ اسم برده به عنوان «مابقی سرجمع» بهتر بود در قالب چند ردیف مشخصاً قید می شد تا آشکار می شد بنیاد عظیم رودکی با چه هزینه های مشغول رتق و فتق روال جاری خویش بوده و نگهداری این بنیاد سالانه چقدر هزینه بردار است. چراکه این هزینه کرد برای اولین بار است که منتشر شده و سابقه ای از این موارد در دست نیست تا بتوان بر آورد و مقایسه ای با آن صورت داد.

بنیاد رودکی برای بنیاد رودکی در این فهرست قید نشده است. اما مهم تر توضیحاتی است که بنیاد رودکی در شرح جدول هزینه کرد داده و اعلام داشته که هر چند در اینجا اعلام نشده اما حقوق کارکنان و هزینه های پشتیبانی و جاری است که از مابقی مبلغ سرجمع منابع، هزینه شده که با توجه به بالا بودن این مبلغ اسم برده به عنوان «مابقی سرجمع» بهتر بود در قالب چند ردیف مشخصاً قید می شد تا آشکار می شد بنیاد عظیم رودکی با چه هزینه های مشغول رتق و فتق روال جاری خویش بوده و نگهداری این بنیاد سالانه چقدر هزینه بردار است. چراکه این هزینه کرد برای اولین بار است که منتشر شده و سابقه ای از این موارد در دست نیست تا بتوان بر آورد و مقایسه ای با آن صورت داد.

هر یک از آن شاهکارها دارد موجب شده تا متن (مخصوصاً مقدمه) روان و صمیمی از کار درآید و این امر بر ارزش متن افزوده است. رویکرد اصلی کتاب افزون بر آن که گزینش آثار خود اهمیت دارد (حتا فهرستی از اجراهای مهم آثار که در پایان فصل ها آمده) به سوی تفسیر است. در سراسر متن می توان عناصری را دید که در نهایت دریافت ترکیبی بابک احمدی از هر یک از شاهکارهای تاریخ موسیقی غرب را به نمایش می گذارد. او حتی آنجا که از قبول موسیقی شناسان و منتقدان به نام سخنی می آورد آنها را به بخشی از تفسیر خودش تبدیل کرده. نگاهی به عنوان فصل ها هم این را تایید می کند. روح مطلق، دوران قهرمانی، بازگشت ابدی، مرگ و خاطره و مانند اینها حتا بدون یک کلمه شرح بیشتر، خواه ناخواه به هر اثر معنایی را می بخشد که این آثار نزد مولف داشته یا از دیگران برگرفته و پذیرفته است.

به این ترتیب کتاب بیش از آن که بنا بر ادعای عنوان فرعی اش (هشت جستار در تاریخ موسیقی) یک متن تاریخی باشد نوعی کار نقد/تفسیر است که بخشی از طریق گردآوری های نویسنده و بخشی هم از طریق بازگویی ادراک شخصی اش از آثار تشکیل شده. در نتیجه ارزش اصلی چنین کتابی، نه فقط برای اهل موسیقی که برای

ارزش اصلی چنین کتابی، نه فقط برای اهل موسیقی که برای عموم، به اطلاعاتی که در اختیار خواننده می گذارد نیست، بل به این است که پیوند همراه تحسین و دوست داری یک اندیشه روز با موسیقی را بر جامعه فارسی زبان آشکار می کند و سر مشقی از علاقه جدی و متفکرانه یک غیر موسیقی دان به موسیقی را پیش رو می گذارد

عموم، به اطلاعاتی که در اختیار خواننده می گذارد نیست، زیرا اولاً اطلاعات مانند برخی دیگر از کارهای احمدی ترتیب اهمیت و چیدمان موثر و موثقی ندارد و ثانیاً آنها را می شود از کتاب های بسیار معتبرتر و دقیق تری که در این باره به فارسی ترجمه شده است (یک نمونه عالی؛ «درک و دریافت موسیقی») گرفت. بسل به این است که پیوند همراهِ تحسین و دوست داری یک اندیشه روز با موسیقی را بر جامعه فارسی زبان آشکار می کند و سر مشقی از علاقه جدی و متفکرانه یک غیر موسیقی دان به موسیقی را پیش رو می گذارد.



بنیاد رودکی

هزینه کرد خویش مبلغ لحاظ کرده اند؟ لازم است معاونت محترم هنری و وزیر محترم ارشاد توضیحات این بخش را با اسناد و مدارک قرار دادی مابین جشنواره موسیقی فجر و بنیاد رودکی و اسناد مالی پرداختی هاروشن کنند تا از این دست ابهامات و سوالات فراوان که در خصوص سه دوره پیشین جشنواره موسیقی فجر بوده برای این دوره اندکی کاسته شود و یا مدیر بنیاد رودکی و دوره پیشین جشنواره موسیقی فجر پاسخ قانع کننده ای برای این مساله داشته باشند.

هزینه کرد برای ارکسترها میزان کلیه هزینه های ارکستر از سفرها گرفته تا خرید ساز و تبلیغات، ارقام پرداختی به رهبران ارکسترها و مستتر کلاس ها، تصویربرداری برای یک سال مجموعاً ۹۵،۹۴۸ میلیون ریال شده است که تقریباً نصف بودجه دریافتی از دولت است و البته یک سوم هزینه کرد بنیاد رودکی در سال گذشته هم نمی شود. اما مساله جالب توجه در این بخش بدعتی است که در بیان هزینه کرد ها ارکسترها برای خوانندگان لحاظ شده اما هزینه رهبران ارکسترها در ردیف جداگانه قید نشده است و مشخص نیست رهبران ارکسترها چه میزان از هزینه کرد برای ارکسترها را شامل شده اند و بودجه هزینه شده بیشتر در جهت حمایت از جوانان نوازنده ارکستر بوده است و یا رهبرانی که در دهه های هفتم و هشتم عمر خویش با تجربه اندک رهبری به کار بزرگی گرفته شده اند.

در ردیف هزینه کرد بودجه معاونت هنری برای جشنواره موسیقی فجر پیش تر منتشر و اعلام شده است که برای سالن های رودکی، وحدت و برج آزادی به همراه سالن نیاوران ۵۸۷۰ میلیون ریال هزینه شده است. یعنی ما با ردیف هزینه کردی در جشنواره موسیقی فجر مواجهیم که هر چند قید شده برای سالن های بنیاد رودکی (وحدت، رودکی و برج آزادی) و سالن نیاوران ۵۸۷۰ میلیون ریال هزینه کرده است اما بنیاد رودکی اعلام داشته که این سالن ها رایگان در خدمت جشنواره بوده است. می دانیم که سال گذشته یکی از ۵ سالن برگزاری جشنواره موسیقی فجر که به بخش پاپ اختصاص یافته بود سالن ورزشی فاقد استانداردهای حداقلی شنیداری بود و این سالن را مدیریت جشنواره موسیقی فجر به عنوان امتیاز جشنواره محسوب می کرد چراکه به صورت رایگان در اختیار جشنواره قرار گرفته بود و هزینه این سالن نیز در هزینه کردهای اعلامی آمده اما با توجه به اینکه تعداد ۴ سالن در محاسبه لحاظ شده است می توان تصور کرد که این سالن ورزشی، سالن پنجم جشنواره، در آن به درستی لحاظ نشده است. اما هزینه سه سالن رایگان دیگر جشنواره چه می شود؟ اکنون که بنیاد رودکی رسماً اعلام کرده است سالن ها رایگان در اختیار جشنواره موسیقی فجر بوده آیا نباید مدیران جشنواره فجر دوره پیش را مورد سوال قرار داد که چگونه برای ۴ سالن با اسم بردن از رودکی و وحدت و برج آزادی در اقرار